

طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های  
نقش‌کنده در گلابه (اسگرافیاتو) شهر  
بروجرد (براساس سفال‌های مکتشفه  
از محوطه مسجد جامع و لایه‌های  
بافت قدیم شهری) / ۱۲۱-۱۳۳



سفال نقش‌کنده در گلابه موسوم  
به سبک آتکند، احتمالاً غرب ایران.  
مأخذ: موزه هنر فیلادلفیا



# طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های نقش‌کنده در گلابه (اسگرافیاتو) شهر بروجرد (بر اساس سفال‌های مکشوفه از محوطه مسجد جامع و لایه‌های بافت قدیم شهری)

محمد مهدی گودرزی \* مریم محمدی \*\* مصطفی رضائی \*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۲۴

صفحه ۱۲۱ تا ۱۳۳

نوع مقاله: پژوهشی

## چکیده

طبق منابع تاریخی و جغرافیایی دوره اسلامی، شهر بروجرد از سده‌های نخست اسلامی همواره به‌عنوان یک مرکز شهری مطرح بوده است. مسجد جامع «عتیق»، کهن‌ترین بنای تاریخی شهر بروجرد است که طبق کاوش‌های باستان‌شناسی و شاخصه‌های معماری، آثار و شواهدی از قرون نخستین اسلامی تا عصر حاضر در آن قابل شناسایی است. طی چند فصل کاوش باستان‌شناسی در این مسجد - که بیش‌تر با اهداف مرمتی و معماری انجام شده است - نمونه‌های فراوانی از قطعات سفالی عمدتاً مربوط به سده‌های میانی اسلامی در محوطه این بنای کهن شناسایی شده است. در سال‌های اخیر و با اجرای برخی پروژه‌های عمرانی و گودبرداری ساختمانی در محدوده بافت قدیم شهر بروجرد، شواهد و مدارک قابل‌تأملی از لایه‌های فرهنگی و تاریخی نمایان شده که نمونه‌های شاخصی برای مطالعه سفال دوره اسلامی در منطقه است. مقاله پیش رو با هدف طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال نقش‌کنده در گلابه حاصل از کاوش‌های مذکور و تطبیق آن با نمونه‌های مشابه است. سؤالات اصلی این تحقیق عبارتند از: ۱- سفال‌های نقش‌کنده در گلابه مورد مطالعه از چه ویژگی‌های فنی برخوردارند؟ ۲- سبک هنری نمونه‌های مورد مطالعه با کدام الگوهای هنری شناخته شده این گونه سفالی، قابل مقایسه‌اند؟ در انجام پژوهش حاضر، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و تطبیق میدانی یافته‌های این حوزه با سایر مناطق صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سفال نقش‌کنده در گلابه رایج‌ترین گونه سفالی سده‌های ۷-۵ ه.ق. منطقه بوده است. از نظر شکل، مضامین نقوش و فنون لعاب‌دهی از تنوع قابل توجهی برخوردار و دارای وجوه اشتراک فنی و هنری با سفال‌های دیگر مناطق هم‌عصر به‌ویژه غرب ایران هستند.

## کلیدواژه‌ها

بروجرد، مسجد جامع، سفال لعابدار، نقش‌کنده

\* کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا، همدان، استان همدان. مدیر پایگاه بافت تاریخی بروجرد  
Email: Goodarzi187@gmail.com

\*\* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، استان همدان (نویسنده مسئول)

Email: Mohammadi7586@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا، همدان، استان همدان

Email: Rezaei.mostafaa@yahoo.com

## مقدمه

مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، قطعات سفالی نقش‌کننده در گلابه مکشوفه از کاوش‌های علمی مسجد جامع و لایه‌های فرهنگی بافت تاریخی شهر بروجرد، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی شده‌اند. از آنجایی که قطعات سفالی حاصل از کاوش‌های مسجد عمدتاً متعلق به چند دهه پیش و با شیوه خاک‌برداری متری انجام شده، دسته‌بندی آن‌ها بر اساس لایه‌های منسجم فرهنگی و استقرار امکان‌پذیر نبود؛ از طرفی طبق گزارش کاوش گنبدخانه و بررسی که در کاوش ایوان توسط نگارنده اول انجام شد بیشتر لایه‌های محوطه مسجد، آواری بوده و در صورت لایه‌های برج، احتمالاً در دوره‌های مختلف مسجد دست‌کاری شده است. بنابراین پس از بررسی و مطالعه اولیه، مبنای طبقه‌بندی نمونه‌ها، همانندی فنی، موضوع نقوش، روش‌های لعاب دهی و نقش اندازی و مقایسه زمانی آن‌ها با انواع گونه‌های مطالعه شده رایج این سبک، در دوره اسلامی بوده که در گذشته توسط پژوهشگران این حوزه و بر اساس کاوش‌ها و تحقیقات علمی در کتب و نشریات تخصصی معرفی، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. بنابراین قطعات سفالی شاخص از لحاظ فرم ظروف، تنوع نقوش و فنون لعاب دهی و نقش اندازی دسته‌بندی و گونه‌شناسی شده و ویژگی‌های آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است.

## پیشینه تحقیق

کایلر یانگ در مقاله بررسی ایران ۱۹۶۱ م. (مجله مطالعات خاور نزدیک) ضمن بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه بروجرد، اشاره می‌کند که شرق لرستان در فاصله سده‌های ۵ تا ۷ ه.ق. به شدت با افزایش جمعیت روبه‌رو بوده است (young, 1970: 223-228). کاوش‌های باستان‌شناسی مسجد جامع بروجرد در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۹ ه.ش. توسط محمد مقدس (آرشیو سازمان میراث فرهنگی بروجرد) نشان می‌دهد که هسته اصلی به‌جای مانده از مسجد، متعلق به قرن ۳ ه.ق. که در دوره‌های بعد (قرون میانی) توسعه و الحاق داشته است (مقدس، ۱۳۷۲: ۱۱۶). مطالعه مقدماتی محمد مهریار بر روی قطعات سفالی مسجد جامع بروجرد (مجله اثر، شماره ۱۰ و ۱۱) حاکی از وجود انواع سفال‌های قرن چهارم تا هفتم هجری به‌ویژه نقش‌کننده در گلابه است (مهریار، ۱۳۶۴: ۱۵۰). نتایج بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه (بررسی و شناسایی دشت سیلاخور) در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ ه.ش. به سرپرستی احمد پرویز (آرشیو میراث فرهنگی لرستان) نشان داد که محوطه‌های دوره سلجوقی نسبت به دوره‌های قبل و بعد خود بیش‌ترین پراکندگی را دارند و سفال نوع نقش‌کننده در گلابه در تمامی محوطه‌های منطقه به تعداد زیاد یافت می‌شود (پرویز، ۱۳۸۵: ۵۵). در سال ۱۳۸۵ ه.ش. به دنبال احداث یک زیرگذر شهری در میدان مرکزی و تاریخی شهر موسوم به «میدان رازان» محدوده وسیعی

در دوره اسلامی، صنعت سفالگری ایران متأثر از فضای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی نوین، شکوفایی رو به رشد خود را آغاز نمود. عواملی چون تأثیرپذیری و به‌کارگیری تجربیات صنعت گران ملل دیگر و مهم‌تر از همه، بهره‌گیری از توان علمی دانشمندان مسلمان، به خصوص دانشمندان حوزه علم شیمی (کیمیا) سبب پیشرفت و تعالی روزافزون کمی و کیفی صنعت و هنر سفالگری دوران اسلامی به ویژه در سده‌های ۴ تا ۷ ه.ق. گردید. در این دوره، آثار و اشیاء سفالین در قالب گونه‌های متنوع تولید و عرضه می‌شد؛ این تنوع به طور خاص در مورد سفالینه‌های لعابدار مشهود بود و در این میان سفال «گونه نقش‌کننده در گلابه» - که در میان باستان‌شناسان دوران اسلامی با نام «اسگرافیاتو» شهرت دارد - با تکیه بر پشتوانه‌های فنی و هنری که ریشه در صنعت سفالگری ایران پیش از اسلام داشت، یکی از فراگیرترین، پرکاربردترین و متنوع‌ترین فنون تزئینی به‌شمار می‌رفت. با وجود پیشینه غنی این فن تزئینی، در طول یک سده‌ای که از مطالعات گونه نقش‌کننده در گلابه سپری شده است، آن چنان‌که شایسته است به این گونه سفالی پرداخته نشده و طبقه‌بندی‌های ارائه شده برای آن از ابتدا بر مبنای اصول علمی قرار نگرفته و حتی همه قطعات سفالین این گونه که از مناطق مختلف به دست آمده را، دربر نمی‌گیرد؛ با وجود آثار فراوان از جمله سفال‌های دوره اسلامی در لایه‌های بافت قدیم شهری و سفال‌های حاصل از کاوش‌های محوطه مسجد جامع - که از زمان کاوش تاکنون بدون مطالعه دقیق رها شده‌اند - تا به امروز هیچ‌گونه پژوهش منسجم علمی در این زمینه انجام نگرفته است.

پژوهش حاضر با هدف طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های نوع نقش‌کننده در گلابه محوطه مسجد جامع و بافت تاریخی بروجرد که حجم قابل توجهی از سفال‌های لعابدار و منقوش مجموعه را شامل می‌شود، در نظر دارد ویژگی‌های فنی و هنری این‌گونه سفالی را در منطقه مورد مطالعه، معرفی نماید و با تطبیق سفال‌های این منطقه با نمونه‌های مشابه سایر مراکز سفالگری قرن ۷-۴ ه.ق.، تاریخ‌گذاری درخوری در این زمینه ارائه کند.

سوالات این پژوهش عبارتند از: ۱- سفال‌های نقش‌کننده در گلابه مورد مطالعه از چه ویژگی‌های فنی برخوردارند؟ ۲- سبک هنری نمونه‌های مورد مطالعه با کدام الگوهای هنری شناخته شده این گونه سفالی، قابل مقایسه‌اند؟  
**ضرورت و اهمیت تحقیق** عدم توجه به سفال‌های نقش‌کننده در گلابه (اسگرافیاتو) در محوطه مسجد جامع بروجرد طبقه‌بندی علمی آنهاست.

## روش تحقیق

در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، و با استفاده از



نقشه ۱. نقشه منطقه جبال و راه ارتباطی شهر بروجرد با پیرامون بر اساس کتاب لسترنج (۱۳۷۷: ۲۰۰): نقشه ۲. موقعیت جغرافیایی شهرستان بروجرد، مأخذ: نگارندگان

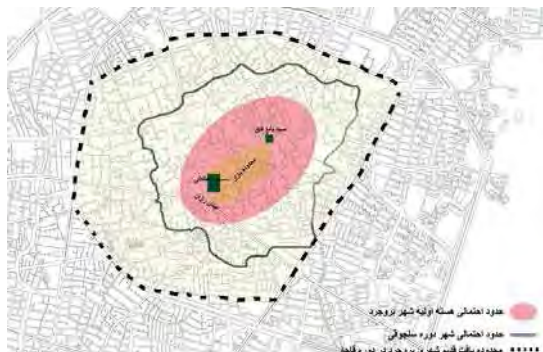
نیمه قرن ۳ ه.ق. در منابع نام برده شده و به عنوان یکی از مراکز «ماه بصره» به همراه نهاوند یاد شده است (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۲۴۴؛ الخراج، ۱۳۴۴: ۲۴۴). از نیمه قرن چهارم و با تشکیل حکومت‌های محلی شاهد افزایش نقش مناطق غربی ایران در تحولات سیاسی - نظامی این دوره هستیم؛ در این میان شهر بروجرد به واسطه قرار گرفتن در مسیر و میانه شهرهای مهمی همچون اصفهان، کرج، ابودلف، همدان و در نهایت بغداد که در زمان فرمانروایی آل بویه و سلجوقی جملگی از شهرهای مهم و تأثیرگذار در تحولات اجتماعی و تاریخی بودند، رونق گرفته و در تحولات این دوره حضور داشته است (مسکویه، ۱۳۶۹: ۴۱۶-۴۱۴؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۷۰۶-۷۰۷؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۵؛ ابن حوقل، ۱۳۷۲: ۱۱)؛ (نقشه ۱ و ۲).

بنا بر بررسی‌های میدانی هسته اولیه شهر بروجرد در محدوده‌های پیرامون میدان قدیم رازان، مسجد جامع سلطانی، بازار و مسجد جامع عتیق قرار دارد که محدوده‌های بالغ بر ۲۸۰ هکتار را به خود اختصاص داده است. در بررسی‌های میدانی نگارندگان موارد زیادی از برخورد با بقایای فرهنگی و تاریخی شهر قدیم دیده شده که نشان می‌دهد محدوده بافت قدیم شهری، بر روی لایه‌های فرهنگی و تاریخی ادوار گذشته قرار گرفته است. بر همین اساس در حین خاکبرداری و گودبرداری‌ها جهت ساختمان‌سازی و پروژه‌های عمران شهری در محدوده بافت قدیم، آثار و شواهد مشهودی از لایه‌های فرهنگی به دست آمده است. بارزترین این موارد احداث یک زیرگذر شهری در میدان مرکزی و کهن شهر موسوم به «رازان» بود که علاوه بر تخریب وسیع لایه‌های تاریخی به میزان بیش از ۳ هکتار، شواهد آشکاری از لایه‌ها، بقایای ساختمانی و سفال‌های دوره‌های مختلف اسلامی نمایان گردید (تصویر ۱ و نقشه ۳).

مورد خاکبرداری قرار گرفت که گذشته از نتایج فاجعه‌بار آن در تخریب لایه‌های تاریخی، مشخص کرد که شهر قدیم در زیر بستر فعلی قرار گرفته است. بر اساس بررسی میدانی نگارندگان، نمونه سفال‌های جمع‌آوری شده نیز نشان از مواد فرهنگی غنی مرتبط با قرون مختلف اسلامی به‌ویژه سفال‌های نقش‌کنده در گلابه قرن ۷-۴ ه.ق. است. در بهار سال ۱۳۹۴ ه.ش. کاوش‌هایی در ایوان مسجد جامع انجام شد (آرشیو میراث فرهنگی لرستان)؛ نتایج حاصله حاکی از وجود بقایای معماری و تعداد فراوانی از انواع سفال‌های متنوع ساده و لعاب‌دار سده‌های اولیه تا میانه اسلامی است. در این میان، قطعات سفالی با تزیین نوع نقش‌کنده در گلابه، شاخص‌ترین سفال این منطقه بشمار می‌آید (گودرزی و درویشی، ۱۳۹۴: ۱۹۴). با این حال، تمامی موارد ذکر شده، نتوانسته‌اند آنچه را در مد نظر این پژوهش از منظر بررسی و تحلیل سفال گونه نقش‌کنده در گلابه بروجرد و نیز وجوه مشترک و متفاوت آن با سایر مناطق است به درستی نشان دهند؛ بدین سبب در این مقاله سعی شده است تا به مطالعه این دسته از سفال منطقه به لحاظ شکل، پوشش، نقش و مقایسه آن با مراکز دیگر تولید این سفال، پرداخته شود.

### بافت تاریخی شهر بروجرد

شهرستان بروجرد در غرب ایران و شمال استان لرستان از سمت شمال به استان همدان (شهرستان‌های ملایر و نهاوند)، از جنوب و غرب به شهرستان‌های درود، خرم‌آباد و الشتر، و از شرق به استان مرکزی (شهرستان شاه‌زند) محدود می‌شود. در مورد پیشینه و زمان شکل‌گیری شهر بروجرد در پیش از اسلام به دلیل عدم پژوهش‌های کافی اطلاعاتی در دست نیست. از این شهر به‌طور مشخص از



نقشه ۳. محدوده بافت قدیم شهر بروجرد، هسته مرکزی و اولیه آن، مأخذ: نگارندگان.

مسجد جامع بروجرد نیز در مرکز کهن‌ترین محله شهر به نام «دوانگه» واقع شده است. این محله در کنار بازار قرار گرفته و امروزه به دلیل احداث چند خیابان در دهه دوم و سوم ۱۳۰۰ ه.ش. به بلوک‌های متعددی تقسیم شده است. طبق مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی، مسجد جامع بروجرد - که در منابع از آن به نام مسجد جامع عتیق یاد شده - در جایگاه همان مسجد اولیه بوده و در طول دوره‌ای بیش از ۱۲۰۰ سال با تغییرات و تحولات گوناگون، دوره‌های تاریخی و معماری متعددی را پشت سر گذاشته است (مهریار، ۱۳۶۴: ۲۵؛ مقدس، ۱۳۷۲: ۱۱۶-۱۱۱)؛ (تصویر ۲ و ۳، نقشه ۴).

### پیشینه و تاریخ‌گذاری سفال نقش‌کننده در گلابه

سفال نقش‌کننده در گلابه یا مخطط به احتمال برگرفته از سفالینه‌های چینی سلسله تانگ یا از ظروف بعد از اسلام قبطیان مصر است (فهروری، ۱۳۸۸: ۲۸). بنا بر کاوش‌های باستان‌شناسی ارنست هرتسفلد، سامرا به عنوان یکی از مراکز اولیه این نوع سفال ذکر شده است (Sarre, 1925: 71-72) این نظریه بعداً مورد مخالفت قرار گرفت زیرا پیدایش آن به پیش از آن، در شوش و سیراف نسبت داده شده است. بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که این سفال‌ها نه تنها در قسمت اصلی شهر سامرا یافت نشده، بلکه محدود به مناطق اشغال شده بعدی است (Northedge, 1985: 12). نخستین سفال‌هایی که در آن‌ها فن نقش‌کننده در گلابه به کار رفته متعلق به قرن سوم هجری در کاوش‌های شوش و سیراف بوده (Kerveran, 1979: 50; whitehouse, 1977: 25) که بعد از آن در سامرا نیز شناخته شده است. این فن در ظروف لعاب لکه‌ای عباسی دیده شده است که پس از آن به شیوه کار سفالگران سامانی نیشابور و سمرقند بدل شد (Wilkinso, 1965: 74; Lane, 1965: 88; 1973). از ویژگی‌های این نوع ظروف که تحت عنوان اسگرافیاتو ساده شناخته می‌شوند، خطوط ساده و خراش مانند است (Schnyder, 1974: 67). حکاکی بر سطح سفال در دوران میانه از رایج‌ترین فن‌هایی بود که توسط سفالگران مسلمانان گسترش یافت. این روش به اشکال مختلفی توسعه داده شده است؛ از حکاکی خطوط باریک بر سطح سفال و سطح گلابه تا کندن گلابه و سفال (Lane, 1947). نتیجه نهایی، سطح برجسته‌ای با ظرافت و پیچیدگی خاص، به‌خصوص در مورد ظروفی بود که حکاکی برای تأکید بر کنتراست رنگ‌ها به کار می‌رفت و نقش‌ها برجسته‌تر می‌شد (گروبه، ۱۳۸۴: ۱۰۱). بنا بر تحقیقات جدید، طبقه‌بندی این‌گونه سفالی بر اساس فن‌های هنری به کار رفته بر روی آن به سبک‌های ۱- نقش‌کننده خطی در گلابه (الف) - نقش‌کننده خطی با پاشیده، ب - نقش‌کننده خطی ساده، ج - نقش‌کننده خطی با رنگ پردازی تکرنگ، د - نقش‌کننده خطی با رنگ پردازی

رنگارنگ)، ۲- گلابه تراشی ۳- نقش‌کننده ترکیبی خطی و گلابه تراشی طبقه‌بندی می‌شود (شاطری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۴-۱۸۰).

در مورد تاریخ‌گذاری سفال‌های اسگرافیاتو، به دلیل عدم نمونه‌های مناسب تاریخ‌دار در این گروه، اختلاف نظر وجود دارد. عموماً اعتقاد دارند که این ظروف بین قرن ۵ و ۶ ه.ق. (۱۱ و ۱۲ م.) ساخته شده‌اند (Watson, 2004: 253-271)؛ اما (Grube, 1994: 115-116; Soustiel, 1985: 65-74) عده‌ای تاریخ آن را تا قرن ۴ ه.ق. (۱۰ م.) نیز عقب برده‌اند (Kuhnel, 1965: 42). اخیراً محققین با شیوه تاریخ‌گذاری لین در مورد ظروف گروس تمایل بیشتری پیدا کرده‌اند. لین تاریخ ظروف گروس را قرن ۱۲ م. و یا کمی بعدتر اعلام کرده است (Lane, ۱۹۴۷: ۲۲). پوپ برای اولین بار ظروف نقش‌کننده در گلابه در ایران را در گروه‌های سه‌گانه زنجان یا آق‌کند، شانلوه یا گروس، و آمل طبقه‌بندی و پیشنهاد داد (Pope, 1939: 1505-1541). ایجاد نقش‌کننده در گلابه در ظروف منسوب به آمل نقش و نگارهای بسیار زیبا پیدا کرد و در ظروف آق‌کند به اوج خود رسید (گروبه، ۱۳۸۴: ۱۰۱). برخی دیگر از محققین پیدایش این دسته از سفال‌ها را در پی حضور شاهان سلجوقی در سده ۵ ه.ق. دانسته و دامنه گسترش آن را از شرق به سوی غرب برشمردند و معتقدند که این شیوه تزئینی پس از راه یافتن به مناطق غربی بیشتر در مراکز عمده مذهبی - سیاسی ایران پیش از اسلام همچون تخت سلیمان، کنگاور، ارومیه (شیخ‌تپه)؛ (Schnyder, 1972: 194-196) و محوطه‌های اسلامی شاخص دشت همدان - هگمتانه، قرق، زینوآباد، آنداجین - (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲-۱۴۱؛ زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۴-۱۱۳؛ محمدی و رضائی، ۱۳۹۹: ۱۵۴) گسترده شده‌اند. مواد اولیه خام برای تولید این ظروف، عمدتاً گلابه سفید و لعاب بوده است. رنگ اصلی و کاربردی در ظروف اسگرافیاتو لعاب سبز روشن بوده است که از ترکیب مس و اکسید آهن به دست می‌آمده است؛ در مواقعی هم از



تصویر ۳. بقایای شالوده سنگی مکشوفه در گمانه آزمایشی ایوان مسجد جامع بروجرد، مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲. نمای عمومی مسجد جامع بروجرد، مأخذ: نگارندگان.

است که بر اساس چند شاخصه اصلی شکل ظروف، نقوش و شیوه نقش اندازی و رنگ لعاب دسته‌بندی شده‌اند. رنگ خمیره بیشتر قطعات سفالی از نوع قرمز، قرمز مایل به نارنجی و نخودی تیره است. شاموت تشکیل دهنده سفال‌ها، ماسه نرم به همراه دانه‌های شن جهت استحکام بیشتر خمیره هستند که در درجه حرارت مناسب پخته شده‌اند.

#### شکل ظروف

نمونه قطعات سفال‌های مطالعه شده بر اساس شکل ظرف، نوع لبه و ضخامت به ۶ دسته تقسیم شده‌اند.

الف) کاسه‌های شیپوری با بدنه صاف و اریب و لبه پاریک در امتداد بدنه.

ب) کاسه‌هایی با بدنه اریب و صاف به همراه لبه‌ای با زاویه تند و بدنه به طرف داخل.

پ) کاسه‌هایی که بدنه آن‌ها مانند نوع دوم است اما لبه‌ها که حالت نسبتاً عمودی با بدنه داشته، ضخیم‌تر شده و به طرف بیرون و داخل اندکی برآمدگی دارند.

ت) کاسه‌های کروی شکل هستند که نوک لبه مستقیم و یا کمی به طرف داخل جمع شده و با انحنا آرام به بدنه متصل می‌شوند.

ث) کاسه‌هایی با بدنه استوانه‌ای و عمودی که لبه تمایل به طرف بیرون دارد و در بعضی ضخیم‌تر شده است.

ج) کاسه‌های قایقی شکل با لبه اریب و بدنه بیرونی زاویه‌دار (تصویر ۴-۶).

#### فرم کف ظروف

کف (پایه) بیشتر ظروف از سه نوع مشخص پیروی می‌کنند.

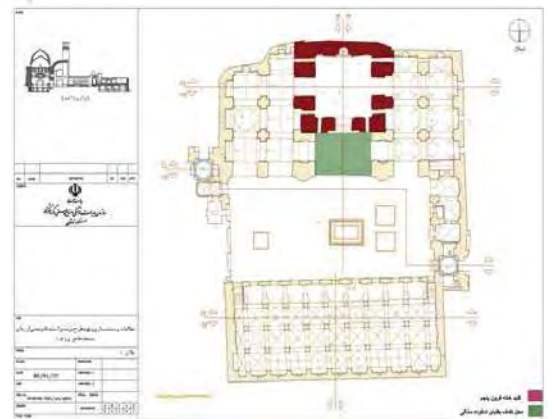
الف) ظروفی که کف آن‌ها کاملاً تخت و صاف هستند و نسبت به بدنه ارتفاعی در حدود یک سانتی‌متر دارند.

ب) ظروفی که کف آن کمی کوژ شده است. این نوع نیز به لحاظ

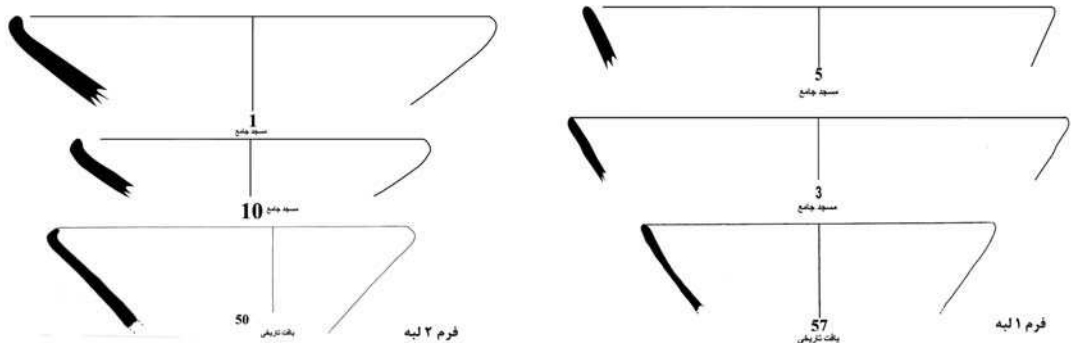
رنگ ارغوانی، و به‌طور نادر لاجوردی استفاده شده است. به نظر می‌رسد تکرنگ ارغوانی مایل به سیاه با دانه‌های رنگی، یکی از معدود رنگ‌های ثابتی است که برای ترسیم نقش و نگار به کار می‌رفته و کاربرد آن در تولید ظروف نقش‌کننده در گلابه ارتباطی با تولید ظروف منقوش گلابه ای ایجاد کرده است (گروبه، ۱۳۸۴: ۱۰۳-۱۰۲).

#### طبقه‌بندی و گونه شناسی سفال‌های مورد مطالعه

به‌طور کلی از ۱۲۰۰ قطعه سفال مسجد جامع و قطعاتی که از لایه‌های بافت تاریخی شهر بروجرد مورد مطالعه قرار گرفته است. حدود ۵۶٪ سفال‌ها بدون لعاب و ۴۴٪ مربوط به سفال‌های لعاب‌دار است (جدول ۱). از میان سفال‌های لعاب‌دار یاد شده حدود ۳۸٪ قطعات از نوع سفال‌های نقش‌کننده در گلابه است (جدول ۲) که به نوعی می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین گونه سفالی مجموعه به حساب آورد. تعداد نمونه‌های مورد مطالعه در این پژوهش ۵۵ قطعه سفالی



نقشه ۴. نقشه مسجد جامع بروجرد، مأخذ: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان.



تصویر ۴. دسته اول و دوم ظروف نقش‌کننده در گلابه، مأخذ: نگارندگان

شفاف سطح بدنه را پوشانده است. محل خطوط بیش‌تر با رنگ‌های قهوه‌ای تیره و مشکی نمایان شده است که تفاوت رنگ ایجاد شده در برخی از ظروف می‌تواند به خاطر تجمع زیاد لعاب در محل خطوط ایجاد شده باشد (تصویر ۷).

**ظروف نقش‌کننده با پوشش گلابه ای و لعاب پاشیده**  
بیش از ۸۰ درصد قطعات سفالی نقش‌کننده زیر لعاب مطالعه شده از نوع گلابه ای هستند. فن به کار رفته در این نوع، استفاده از پوشش گلی به رنگ‌های سفید یا شیری و کرمی تیره و روشن است که پس از ساخت سفال بر سطح داخلی و بیرونی ظرف کشیده شده و سپس با ابزاری نوک‌تیز اقدام به ایجاد نقش، یا کندن گلابه کرده‌اند. سطح زیرین گلابه عموماً خمیره تیره است که نقوش در زیر لعاب شفاف سربی نمایان شده است. استفاده از گلابه سفید و کرمی عمومیت دارد و بیشتر قطعات را شامل می‌شود. در بسیاری از ظروف دارای گلابه سفید یا شیری، لعاب سبز رنگی به شکل نواری ممتد و باریک روی لبه ظرف دیده می‌شود (تصویرهای ۸ تا ۱۱، جدول ۳). به‌طور کلی در اغلب سفال‌های نقش‌کننده در گلابه این منطقه، از روش تزیین لعاب پاشیده همراه با نقش‌کننده جهت تزیین ظروف استفاده شده است. رنگ‌های به کار رفته در تزیین، لکه‌هایی

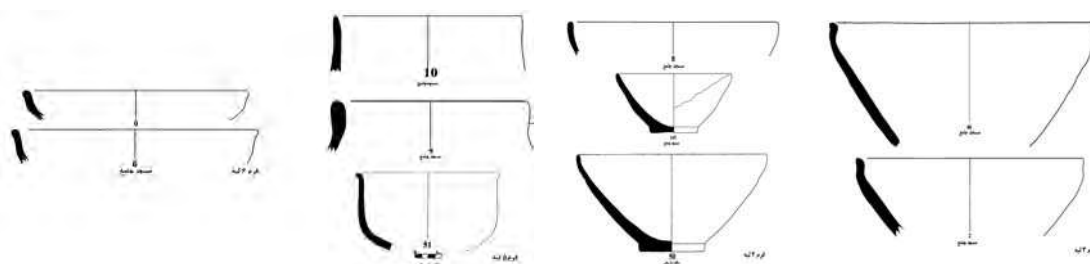
ارتفاع و زاویه اتصال با بدنه مانند نوع نخست است. (ج) ظروفی که کف آن در زیر توخالی و یا زاویه‌دار شده است.

#### انواع لعاب و شیوه‌های لعاب دهی

در قطعات مطالعه شده اغلب ظروف در بدنه داخلی، لعاب و تزیین دارند که معمولاً مقدار اندکی لعاب در پشت ظرف زیر لبه امتداد داشته و بدنه بیرونی بدون پوشش مانده است. در این میان گروه پنجم از شکل ظروف که کمی گودتر و بدنه عمودی دارند، تزیین در بیرون ظروف انجام شده و لعاب در بدنه بیرونی و داخلی ظروف دیده می‌شود (تصویر ۷، قطعه شماره ۳ و ۸). لعاب شفاف بر روی پوشش گلابه سفید یا شیری رنگ رایج‌ترین نوع لعاب دهی در ظروف مورد مطالعه است. از انواع دیگر می‌توان به طیفی از لعاب‌های تکرنگ سبز روشن تا تیره و قهوه‌ای اشاره کرد. دو شیوه اصلی لعاب دهی در میان نمونه‌های مورد مطالعه به شرح ذیل است.

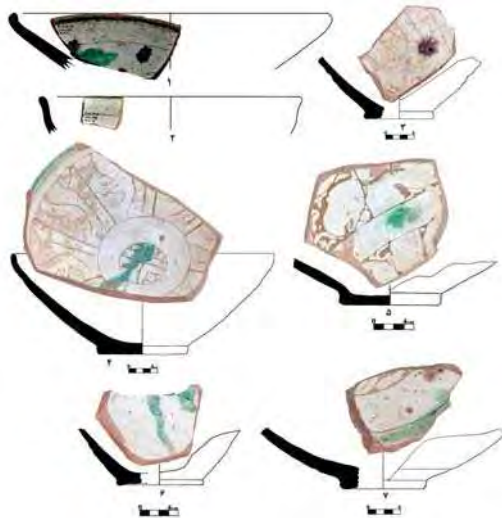
#### سفال نقش‌کننده با لعاب تکرنگ

این نوع ظروف دارای طیفی از لعاب سبز تیره تا روشن و قهوه‌ای هستند که سفالگر پس از ساخت، بدنه ظروف را که بیشتر خطوط ساده هندسی به شکل خطوط عمودی، افقی و منحنی است، را خراش داده و سپس با لعاب سربی تکرنگ

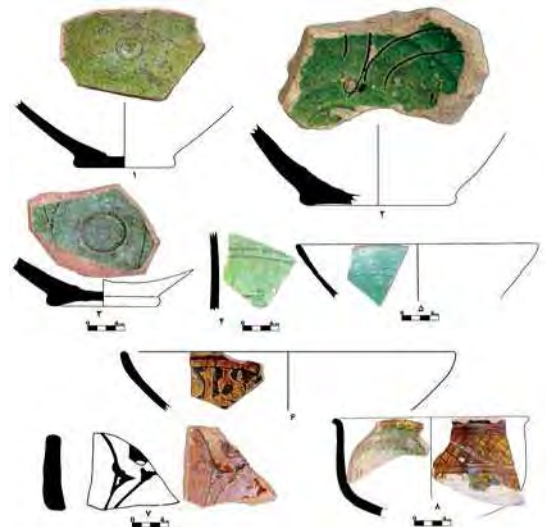


تصویر ۵. دسته سوم و چهارم ظروف نقش‌کننده در گلابه، مأخذ: همان

تصویر ۶. دسته پنجم و ششم ظروف نقش‌کننده در گلابه، مأخذ: همان



تصویر ۸. سفال‌های نقش‌کنده در گلابه با پوشش گلابه سفید، مأخذ: نگارندگان



تصویر ۷. سفال‌های نقش‌کنده در گلابه با لعاب تکرنگ، مأخذ: نگارندگان

سربی، لکه‌های رنگی ایجاد شده است. به نظر می‌رسد در نوع تکرنگ محل خطوط به دلیل تراکم لعاب رنگی کمی تیره‌تر شده است. نقوش به کار رفته در این شیوه عموماً شامل انواع خطوط هندسی افقی و عمودی بر بدنه داخلی، خطوط منحنی، بیضی‌های تو در تو، ترکیب خطوط متقاطع و چهارخانه‌ای مورب و خطوط غیرمنظم و درهم هستند. در بعضی نمونه‌ها نقوش عمق و ضخامت بیشتری دارند و شامل خطوط افقی یا عمودی هستند که بدنه‌های داخلی

به رنگ سبز، بنفش روشن (بادمجانی) و در تعدادی دیگر کرمی است که بدون نظم خاص و گاهی بانظم بیشتر بر روی سطح داخلی ظروف نقش شده است. در انواع لعاب گلی افزون بر خطوط و خراش‌های ساده و کم‌عمق، روش حکاکی و کندن گلابه کاربرد داشته است (تصویر ۱۰).

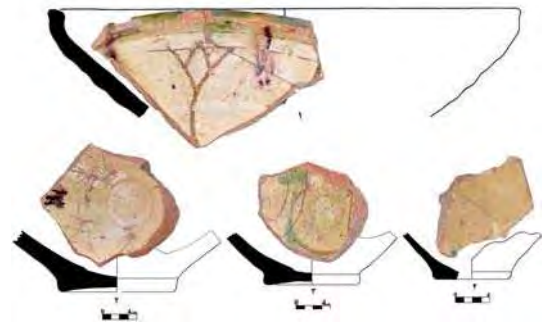
#### روش‌های نقش‌اندازی و انواع نقوش

دو روش مشخص در نقش‌اندازی قطعات مطالعه شده قابل تشخیص است که با نقش‌مایه‌هایی با مضمون خطوط هندسی، گیاهی - اسلیمی و گاهی نقش‌های گره چینی و خطوط کوفی تزیین شده‌اند.

الف) نقوش ساده خطی که خراش ساده از سطح بدنه سفال یا گلابه است. این روش در قطعات سفالی با لعاب تکرنگ طیف سبز و قهوه‌ای و قطعاتی که دارای پوشش گلابه هستند، دیده می‌شود که در زیر لعاب شفاف



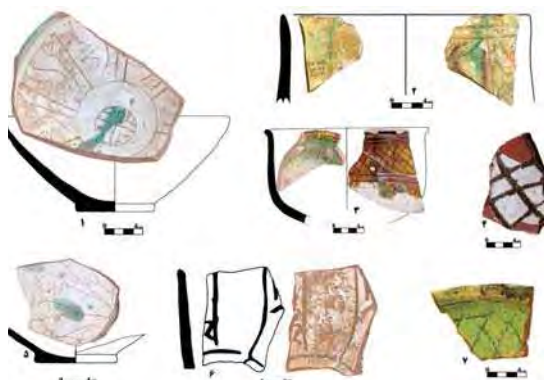
تصویر ۱۰. سفال‌های نقش‌کنده در گلابه با طرح لکه‌ای و نقوش گیاهی، مأخذ: نگارندگان



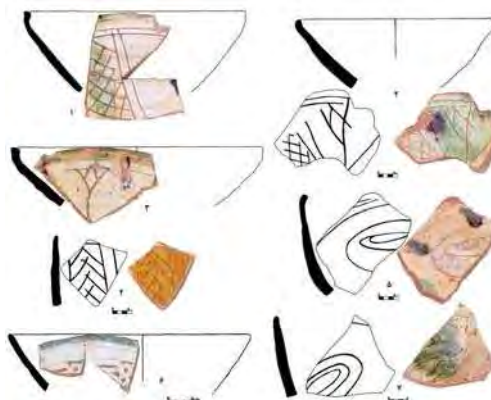
تصویر ۹. سفال‌های نقش‌کنده در گلابه با پوشش کرمی، مأخذ: نگارندگان



طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های نقش‌کنده در گلابه (اسکرافیاتو) شهر بروجرد (براساس سفال‌های مکتشفه از محوطه مسجد جامع و لایه‌های بافت قدیم شهری) / ۱۲۱-۱۳۳



تصویر ۱۲. سفال‌های نقش‌کنده در گلابه با نقوش هندسی (مأخذ: نگارندگان)

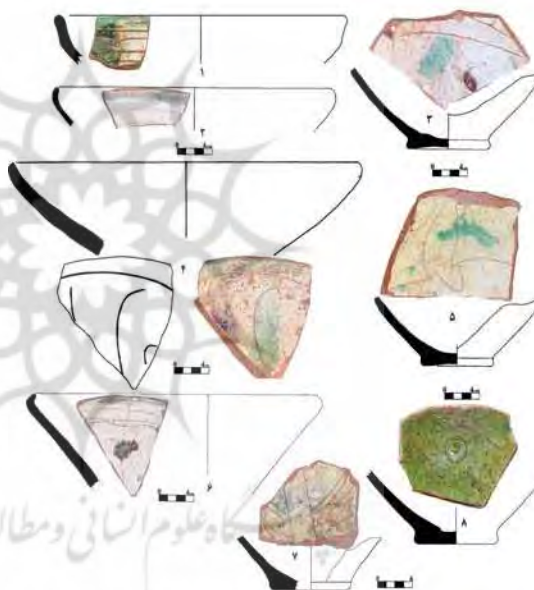


تصویر ۱۱. سفال‌های نقش‌کنده در گلابه با نقوش هندسی (مأخذ: نگارندگان)

ظرف را به چند قسمت تقسیم نموده‌اند (تصویر ۱۱ و ۱۲).

ب) ظروفي که به منظور نشان دادن نقش، سطح گلابه کنده شده و نقوش به صورت نیم برجسته در داخل زمینه کنده شده، نمایان شده است.

این نوع تزیین بیشتر در ظروف با پوشش گلابه ای با لعاب شفاف سربی بدون رنگ و گاهی در قطعاتی با لعاب تکرنگ نیز دیده می‌شود. روش مورد نظر همان شیوه تزیین ظروف شناخته شده موسوم به گیری یا شانلوه است که حدود یک سوم قطعات مطالعه شده را در برمی‌گیرد. نقش‌های ایجاد شده به این روش شامل گل و برگ‌های اسلیمی و انتزاعی، گل‌های چند پر و خطوط منحنی و پیچان در حاشیه نقوش اصلی، و نقوش ترکیبی گره چینی و خطوط کوفی هستند. این نقوش درون نوارهای افقی در بدنه داخلی و کف ظرف قرار دارند. در این نوع، ابتدا نقوش مورد نظر ترسیم، سپس پوشش گلابه میان نقوش، کنده شده است؛ به طوری که زمینه رنگ تیره به خود گرفته و نقش حالت نیم برجسته دارد (تصویر ۱۲ و ۱۳، جدول ۴).



تصویر ۱۳. سفال‌های نقش‌کنده در گلابه با نقوش هندسی و گیاهی (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۱. آمار نمونه سفال‌های نقش‌کنده با لعاب و بدون لعاب مورد مطالعه از مسجد جامع بروجرد، مأخذ: نگارندگان.

ردیف	سفال‌های مسجد جامع	تعداد نمونه‌های مورد مطالعه	درصد نمونه از مجموع سفال‌ها
۱	سفال‌های بدون لعاب	۶۸۶	۰/۵۶/۶
۲	سفال‌های لعاب‌دار	۵۲۵	۰/۴۳/۴
	مجموع	۱۲۱۱	۰/۱۰۰



جدول ۲. آمار پراکندگی سفال‌های نقش‌کنده بر اساس نوع لعاب و پوشش، مأخذ: همان.

ردیف	سفال‌های نوع نقش‌کنده (نوع لعاب و پوشش)		تعداد نمونه‌ها	درصد نمونه‌ها
۱	سفال با لعاب ساده تکرنگ		۸	٪۱۴،۵
	قهوه‌ای		۳	٪۵،۴
۲	سفال با پوشش گلابه‌ای و لعاب شفاف		۳۰	٪۵۴،۵
	پوشش کرمی با لعاب شفاف		۱۱	٪۲۰
	پوشش زرد رنگ با لعاب شفاف		۱	٪۱،۸
	پوشش سفید با لعاب سبز		۳	٪۵،۴
مجموع				
			۵۵	٪۱۰۰

جدول ۳. آمار پراکندگی سفال‌های نقش‌کنده بر اساس پوشش لعاب، مأخذ: همان.









ردیف	سفال‌های نقش‌کنده		تعداد نمونه‌ها	درصد نمونه	گاهنگاری نسبی ق.ه
۱	سفال نقش‌کنده در گلابه با لعاب تکرنگ		۱۱	٪۲۰	سده ۴-۷
۲	سفال با پوشش گلابه‌ای و نقش‌کنده زیر لعاب شفاف		۹	٪۱۶	سده ۴-۷
	لعاب پاشیده		۳۵	٪۶۴	

جدول ۴. آمار پراکندگی سفال‌های نقش‌کنده مورد مطالعه بر اساس نقش‌مایه، مأخذ: همان.

ردیف	سفال‌های نقش‌کنده (نقش‌مایه)		تعداد نمونه‌ها	درصد نمونه
۱	سفال با نقش‌کنده هندسی		۴۴	٪۸۰
۲	سفال با نقش گیاهی		۸	٪۱۴،۵
۳	سفال با نقش گره چینی و خط نوشته		۳	٪۵،۵
مجموع				
			۵۵	٪۱۰۰

طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های  
نقش‌کننده در گلابه (اسگرافیاتو) شهر  
بروجرد (براساس سفال‌های مکتشفه  
از محوطه مسجد جامع و لایه‌های  
بافت قدیم شهری) / ۱۲۱-۱۳۳

جدول ۵. مطالعات تطبیقی سفال نقش‌کننده در گلابه بافت تاریخی شهر بروجرد بر اساس نقش و لعاب، مأخذ: نگارندگان

ردیف	قطعه سفال مورد مطالعه	نمونه قابل مقایسه	گاهنگاری ه.ق.
۱		 (Wilkinson, ۱۹۷۴: ۱۶۰)	سده ۷-۴
۲		 (موزه ویکتوریا و آلبرت) غرب ایران	سده ۷-۴
۳		 (Wilkinson, ۱۹۷۴: ۱۵۵) (کیانی، ۱۳۸۰: ۵۵)	سده ۷-۴
۴		 (موزه ویکتوریا و آلبرت) شمال غرب ایران	سده ۷-۴
۵		 (گروبه، ۱۳۸۴: ۱۱۰) غرب ایران	سده ۷-۴
۶		 (گروبه، ۱۳۸۴: تصویر ۱۲۴) شمال غرب ایران	سده ۷-۴
۷		 (شریف کاظمی، ۱۳۹۲: ۱۳۸-۱۳۵) شمال غرب ایران	سده ۷-۴

سده ۷-۴	<p>(گروبه، ۱۳۸۴: ۵۲) غرب ایران</p>		۸
سده ۷-۴	<p>موزه سن پترزبورگ، کتکاور</p>		۹
سده ۷-۴	<p>(چوبک، ۱۳۹۲: ۱۱۹)</p>		۱۰

### نتیجه

نتایج آماری سفال‌های گونه نقش‌کنده در گلابه مطالعه شده در محوطه مسجد جامع بروجرد و لایه‌های بافت قدیم شهری نشان می‌دهد بیش از ۳۸٪ درصد کل سفال‌های لعاب‌دار متعلق به این‌گونه سفالی است. با توجه به طبقه‌بندی و گونه شناسی نمونه‌ها، ویژگی‌های شاخص سفال‌های مطالعه شده را بدین شرح می‌توان بیان نمود. شکل رایج بیشتر ظروف، کاسه‌هایی کوچک و متوسط است که تفاوت آن‌ها در نوع لبه، کف و نحوه اتصال آن با بدنه است. تزیین و لعاب دهی بیشتر در بدنه داخلی انجام شده و به ندرت سطح بیرونی ظروف، لعاب و نقش دیده می‌شود. لعاب‌های تکرنگ سبز و قهوه‌ای زیر لعاب شفاف سربی و لعاب‌های بی‌رنگ شفاف با پوشش گلابه از انواع روش‌های لعاب دهی این دسته از ظروف بوده است. نوع نقش‌کنده گلابه ای با لعاب پاشیده یا لکه‌ای با بیش از ۸۰٪، مهم‌ترین نوع شیوه تزیین و لعاب دهی ظروف است. واتسون و فهورری معتقدند فن نقش‌کنده در گلابه به همراه لعاب پاشیده از اواخر سده ۳ ه.ق. در کارگاه‌های سفالگری رواج پیدا می‌کند. این مطالعات در مراکز چون نیشابور، تخت سلیمان و شوش تأیید شده است و نشان می‌دهد تا سده‌های ۶ و ۷ ه.ق. رونق داشته است. گلابه سفید یا شیری، پوشش غالب، و پوشش‌های گلی کرمی و کرمی مایل به زرد زیر لعاب شفاف سربی نیز فراوان به کار برده شده‌اند. در قطعات با فن لعاب پاشیده، رنگ‌های به کار رفته اغلب سبز روشن و بنفش روشن (بادمجانی) است؛ و در ظروف با گلابه سفید ایجاد نوار سبز رنگ بر روی لبه عمومیت دارد. تنوع رنگ در لکه‌های پاشیده نمونه‌های مورد مطالعه به نسبت مناطقی چون شمال و شمال غرب تراکم کمتری دارد. نقش‌مایه هندسی، نقش غالب اکثر قطعات سفالی بشمار می‌آید که بیشتر به صورت خراش‌های سطحی است. تراکم نقوش به‌ویژه نمونه‌هایی که دارای ترکیب‌های هندسی هستند به نسبت ظروف معرفی شده در مناطقی مانند نیشابور و یا سفال نوع آق کند از تراکم کمتری برخوردارند. استفاده از انواع خطوط منحنی و خطوط متقاطع را می‌توان از ویژگی‌های اکثر

مراکز سفالگری دانست که در اینجا دیده می‌شود. به نظر می‌رسد استفاده از فن‌کندن گلابه و ایجاد نقوش در پس‌زمینه، از منظر فنی و هنری رابطه نزدیک سفال‌های این منطقه را با مناطق غربی ایران همچون تخت سلیمان، کردستان، کنگاور، ارومیه (شیخ‌تپه) و محوطه‌های دشت همدان، اثبات می‌کند. در اینجا نقوش گیاهی با طرح گلبرگ‌های اسلیمی پیچان در اکثریت‌اند. در مجموع پژوهشگران سفال نقش‌کننده در گلابه را، بین سده‌های ۷-۴ ه.ق. تاریخ‌گذاری کرده‌اند؛ با وجود شباهت بین نقوش این نوع سفال‌ها با دیگر مناطق، نشان‌هایی از سبک محلی در ساخت و تزیین نمونه‌های مطالعه شده، نظیر شکل ظروف و نحوه ترکیب‌بندی قابل تشخیص است. تراکم کمتر نقوش و لکه‌های لعاب در مقایسه با سایر سبک‌های سفال نقش‌کننده در گلابه از ویژگی‌های تزیینی سفال‌های این منطقه است.

### منابع و مأخذ

- ابن خردادبه ۱۳۴۹، المسالك الممالک، تصحیح و توضیح دوخوئه، لیدن: بریل.
- ابن حوقل ۱۳۶۶، سفرنامه ابن حوقل یا صورہ الارض، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن جعفر، قدامه ۱۳۷۰، الخراج، ترجمه حسین قرچانلو، ج ۱، تهران: البرز.
- ابن مسکویه، ابوعلی احمد ۱۳۶۹، تجارب الأمم، ترجمه ابوالقاسم امامی و علی منزوی، تهران: سروش.
- ابن اثیر، علی بن محمد ۱۳۷۱، تاریخ کامل ایران و اسلام، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران: موسسه مطبوعات علمی.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم ۱۳۴۰، مسالک الممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پرویز، احمد ۱۳۸۵، گزارش بررسی و شناسایی دشت سیلاخور، آرشیو میراث فرهنگی لرستان، منتشر نشده.
- پوپ، اپهام آرتور ۱۳۳۸، شاهکارهای هنر ایران، اقتباس و نگارش پرویز ناتل خانلری، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفعلی شاه.
- پوپ، اپهام آرتور: اکرومن، فیلیپس ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران - سفالگری، مترجم نجف دریابندی، جلد ۸، تهران: علمی فرهنگی.
- چوبک، حمیده ۱۳۹۲، «سفالینه دوران اسلامی شهر کهن جیرفت»، مطالعات باستان‌شناسی، شماره پیاپی ۵، دوره ۴، صص ۱۱۲-۸۱.
- زارعی، محمد ابراهیم و محمد شعبانی ۱۳۹۸، «بررسی و تحلیل گونه‌شناسی سفالینه‌های آغاز دوران اسلامی تا پایان دوره صفوی منطقه همدان». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال سوم، شماره ۸، صص ۱۰۹-۱۲۶.
- شاطری، میترا؛ لاله‌هایده؛ چوبک، حمیده ۱۳۹۸، «بازنگری در طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری سفال‌گونه نقش‌کننده در گلابه (اسگرافیاتو) در ایران دوره اسلامی»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۱، دوره نهم، صص ۱۸۸-۱۷۳.
- شریف کاظمی، خدیجه ۱۳۹۲، «مطالعه تکنیک سفالینه‌های اسگرافیاتو مجموعه سفالینه‌های مؤسسه موزه‌های بنیاد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دوره اسلامی رشته باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینای همدان.
- کیانی، محمد یوسف ۱۳۸۰، پیشینه سفال و سفالگری در ایران، تهران: نسیم دانش.
- گروبه، ارنست ۱۳۸۴، سفال اسلامی، جلد هفتم از مجموعه ده‌جلدی مجموعه هنر اسلامی، گردآوری ناصر خلیلی، ترجمه فرناز حائری، تهران: کارنگ.
- گودرزی، محمد مهدی؛ درویشی، احمد ۱۳۹۴، گزارش گمانه‌زنی و کاوش پیگردی حین مرمت مسجد جامع بروجرد، آرشیو میراث فرهنگی لرستان، منتشر نشده.
- فهروری، گزا ۱۳۸۸، سفالگری جهان اسلام در موزه طارق رجب کویت، ترجمه مهناز شایسته فر،



تهران: مطالعات هنر اسلامی.

- مقدس، محمد ۱۳۷۲، مسجد جامع بروجرد، آرشیو میراث فرهنگی لرستان، منتشر نشده.
- مهریار، محمد ۱۳۶۴، بررسی مقدماتی مسجد جامع بروجرد، مجله اثر، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۱۶۵-۷۷.
- محمدزاده، مهدی؛ فاضل، عاطفه؛ سامانی، حسین ۱۳۹۳، «تناسب، زیبایی و هندسه نهان در نقوش سفال نوع آق کند»، نگارینه هنر اسلامی، دوره اول، شماره ۱، صص ۵۸-۵۰.
- محمدی، مریم و محمد شعبانی ۱۳۹۵. «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد - بهار، همدان». پژوهش‌های باستان‌شناسی، شماره ۱۱، دوره ششم، صص ۱۵۰-۱۳۵.
- محمدی، مریم؛ رضائی، مصطفی ۱۳۹۹، «مطالعه تاریخی و باستان‌شناسی محوطه اسلامی انداجین». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۱۵۹-۱۳۹.
- آرشیو تصاویر موزه ویکتوریا و آلبرت (سایت رسمی موزه ویکتوریا و آلبرت)
- آرشیو تصاویر موزه سن‌پترزبورگ (سایت رسمی موزه سن‌پترزبورگ)
- بررسی‌های میدانی نگارندگان، ۱۳۹۵.

- Grube, E. 1994, The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art. Vol. IX. Oxford, Oxford University Press.
- Kuhnel, E. 1965, Datierte Persisch Fayencen, Jarhbuch derasiatischenkunst, vol I.
- Lane, A. 1965, Early Islamic Pottery Mesopotamian, Egypt and Persia, Faber and Faber Ltd., London.
- Northedge, A. 1985, «Planning Samarra: A Report for 1983-4». Iraq 47, pp. 28-109.
- Pope, A. U. 1939, «The Ceramic Art in Islamic Times». In: A.U. Pope, Ph. Ackerman, (eds.), Survey of Persian Art, Vol. IV: pp. 1505-1541.
- Sarre. F. 1925, die Keramik von samara, Berlin.
- Sarre, F. 1925, Die Keramik von Samarra, Die Ausgrabungen von Samarra 2, Berlin.
- Schnyder, R. 1972, «Saljuk Pottery in Iran». In: The International Congress of Iranian Art & Archaeology. 189-197.
- Schnyder, R. 1974, «Medieval Incised and Carved Wars From Morth-West Iran»The Art of Iran and Anatolia From The 11th to the 13th Century A.D.; London:Colloquie on Art and Archaeology in Asia, No.4.
- Soustiel, J. 1985, La Ceramique Islamique. Fribourg, Office du livre.
- Watson, O. 2004, Ceramics from Islamic Lands, Thames & Hudson Ltd, London.
- Whitehouse, D. 1992, Ceramics XIII, The Early Islamic Period, 7th-11th Centuries, In: Encyclopedia Iranica, Edited by Ehsan Yarshater, vol. V, California (Mazda Publishers), pp. 308-311.
- Whitehouse, D. 1979, Decline of Siraf, In: Proceedings of the IIIrd Annual Symposium of Archaeological Research in Iran, Tehran 2nd-7th November 1974, Edited by Firouz.
- Wilkinson, Ch. K. 1973, Nishapur Pottery of the Early Islamic Period, The Metropolitan Museum of Art.
- Young, T.C. 1970, «survey in Iran 1961», Journal of Near Eastern Studies, pp. 230-228.



- Mohammadi, M. & Shabani, M. 2016. «Introduction and analysis of pottery of the Islamic era in Zinoabad-Bahar area, Hamedan». *Archaeological Research*, No. 11, Volume 6, pp. 150-135.
- Mohammadi, M & Rezaei, M. 2020, «An Historical and Archaeological Approach to the Islamic Site of Anda-jin», *Archaeological Studies*, Volume 12, Number 1, pp. 139-159.
- Moghaddas, M. 1993, Boroujerd Mosque, Lorestan Cultural Heritage Archive, unpublished.
- Northedge, A. 1985, «Planning Samarra: A Report for 1983-4». *Iraq* 47, pp. 28-109.
- Parviz, A. 2006, Report on Investigation and Identification of Silakhor Plain, Lorestan Cultural Heritage Archive, Lorestan: Not published.
- Pope, A. U. 1939, «The Ceramic Art in Islamic Times». In: A.U. Pope, Ph. Ackerman, (eds.), *Survey of Persian Art*, Vol. IV: pp. 1505-1541.
- Pope, A. U. 1959, *Masterpieces of Iranian Art*, Adapted and Written by Parviz Nathal Khanlari, Tehran: Safali Shah Press Office.
- Pope, A. U. & Akroman, P. 2008, *A Survey of Iranian Art, Pottery*, Translated by Najaf Daryabandi, Volume 8, Tehran: A Cultural Science.
- Sarre. F. 1925, *die Keramik von samara*, Berlin.
- Sarre, F. 1925, *Die Keramik von Samarra, Die Ausgrabungen von Samarra 2*, Berlin.
- Schnyder, R. 1972, «Saljuk Pottery in Iran». In: *The International Congress of Iranian Art & Archaeology*. 189-197.
- Schnyder, R. 1974, «Medieval Incised and Carved Wars From Morth-West Iran» *The Art of Iran and Anatolia From The 11th to the 13th Century A.D.*; London: Colloquie on Art and Archaeology in Asia, No.4.
- Sharif Kazemi, Kh. 2013, «Studying the Techniques of Scripting Pottery and Collection of Foundation Museums Pottery», MSc Thesis, Islamic Course of Archeology, Hamedan Bu Ali Sina University.
- Shater, M.; Laleh, H. & Chubak, H. 2019, «A Review on the Classification and Dating of Pottery Species Embedded in Golabe (Sgraphiato) in the Islamic Period», *Iranian Archaeological Research*, No. 21, Ninth Volume, pp. 173-188.
- Soustiel, J. 1985, *La Ceramique Islamique*. Fribourg, Office du livre.
- Watson, O. 2004, *Ceramics from Islamic Lands*, Thames & Hudson Ltd, London.
- Whitehouse, D. 1992, *Ceramics XIII, The Early Islamic Period, 7th–11th Centuries*, In: *Encyclopedia Iranica*, Edited by Ehsan Yarshater, vol. V, California (Mazda Publishers), pp. 308-311.
- Whitehouse, D. 1979, *Decline of Siraf*, In: *Proceedings of the IIIrd Annual Symposium of Archaeological Research in Iran*, Tehran 2nd-7th November 1974, Edited by Firouz.
- Wilkinson, Ch. K. 1973, *Nishapur Pottery of the Early Islamic Period*, The Metropolitan Museum of Art.
- Young, T.C. 1970, «survey in Iran 1961», *Journal of Near Eastern Studies*, pp. 230-228.
- Zarei, M. I. & Shabani, M. 2019, «Study and analysis of the typology of pottery from the beginning of the Islamic period to the end of the Safavid period in Hamadan region». *Archaeological Studies of Gamers*, Third Year, No. 8, pp. 109-126.
- Victoria & Albert Museum Photo Gallery (Victoria & Albert Museum Official Website)  
St. Petersburg Museum's Photo Gallery (St. Petersburg Museum's Official Website)



layers and pottery, the area of Jameh Mosque has never been seriously and scientifically studied. In this regard, the present study was conducted with the aim of categorizing and classifying underglaze pottery carvings of the Jameh Mosque and the historical context of Borujerd, which count for a remarkable volume of glazed pottery and stained glass collection. It also intends to introduce the technical and artistic characteristics of this species in the study area. Therefore, this research is an attempt to answer questions such as: 1- What are the technical characteristics of the studied sgraffito pottery? 2. The artistic style of the studied samples is comparable to which well-known art patterns of this type of pottery? The present study was conducted by collecting information through library sources and field matching of field findings of this region with other regions.

In the present research, the descriptive-analytical research method has been used. In this regard, after initial observation and through survey, the basis for sample classification was as follows: technical similarity, the subject of motifs, methods of glazing, and comparison with a variety of commonly studied species of this style in the first and the middle centuries which have been introduced, categorized and analyzed by researchers in the field and based on scientific research available in books and specialized publications. Therefore, the clay components of the index in terms of forms of dishes, diversity of enamels and the role of the classification and typology and their characteristics were analyzed.

**Keywords:** Borujerd, Jameh Mosque, Glazed Pottery, Engraving

**References:** Chubak, H. 2013, «The Pottery of the Islamic Age of Ancient Jiroft», Archeological Studies, Series 5, Volume 4, pp. 81-112.

Grube, E. 1994, The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art. Vol. IX. Oxford, Oxford University Press.

Grobe, E. 2005, The Islamic Pottery, Volume 7 of the ten-volume Selection of Islamic Art Collection, compiled by Nasser Khalili, translated by Farnaz Haeri, Tehran: Carang.

Goudarzi, M. M. & Darvishi, A. 2015, Report of speculation and prosecution during the restoration of Boroujerd Jame Mosque, Lorestan: unpublished.

Ibn Khordadbeh, A. O. A. 1970, al-Maskal al-Mamalek, Correction and Explanation of Duque, Leiden: Braille.

Ibn Hoqal, 1987, The Travelogue of Ibn Hogl or Sura al-Arz, Translated and Explained by Dr. Ja'far Sha'ar, Tehran: Amir Kabir.

Ibn Ja'far, Gh. 1991, al-Kharaj, translated by Hossein Gharchanloo, Tehran: Alborz.

Ibn Maskaviyeh, A. A. 1989, The Experiences of Alam, Translated by Abolghasem Emami and Ali Monzavi, Tehran: Soroush.

Ibn Athir, A. M. 1992, The Complete History of Iran and Islam, Translated by Abbas Khalili and Abolghasem Mode, Tehran Scientific Press Institute.

Istakhri, A. I. I. 1961, Masalak al-Mamalik, by Iraj Afshar, Tehran: Book Translation and Publishing Company.

Kiani, M. Y. 2001, Hintergrund of pottery and pottery in Iran, Tehran: Nasim Danesh.

Kuhnel, E. 1965, Datierte Persisch Fayencen, Jahrbuch der asiatischen Kunst, vol I.

Lane, A. 1965, Early Islamic Pottery Mesopotamian, Egypt and Persia, Faber and Faber Ltd., London.

Mehriar, M. 1985, Preliminary survey Boroujerd Jame Mosque, Journal of Works, No. 10 and 11. pp. 77-165.

Mohammadzadeh, M.; Fazel, A. & Samani, H. 2014, "Relevance, Beauty, and the Hidden Geometry in Pottery Patterns of Agh-Kand Type", Islamic Art Picture, Volume 1, Number 1, pp. 50-58.



## Classification and Typology of Pottery Engraved under the Glaze (Sgraffiato) in Borujerd City (Based on Pottery Discovered from the Jameh Mosque Area and Layers of Old Urban Fabric)

Mohammad Mahdi Goudarzi, Manager of Historical District of Borujerd, MA in Archeology, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamadan Province, Iran.

Maryam Mohammadi (Corresponding Author), Assistant Professor, Department of Archeology, University of Bu-Ali Sina, Hamedan Province, Iran.

Mostafa Rezaei, PhD Candidate in Archeology, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamadan Province, Iran.

Received: 2019/06/17 Accepted: 2020/11/14



According to the historical and geographical resources of the Islamic period, the city of Borujerd has always been regarded as an urban center since at least the first centuries of the Islamic era. The old mosque of “Atiq”, which is the oldest monument of the Borujerd city, has been identified by archaeological findings and architectural characteristics, to bear evidence of existence from the earliest Islamic centuries to the present time. In several stages of archaeological explorations in this mosque, which have mostly been carried out with the aim of renewal, many pieces of clay have been discovered in the campus of this ancient building which mainly date back to the middle-Islamic centuries. In recent years, with the implementation of some reconstruction projects and excavations in the old site of Borujerd city, some evidences of cultural and historical layers have been discovered which are indicators for the study of pottery in Islamic period. The present research, through applying classification and typology of pottery and studying the role of the carvings under the enamels of the excavated finds, aims at introducing the technical and artistic characteristics of pottery carvings under the Atiq mosque. Highlighting similarities and differences between the studied samples and the findings of pottery centers is another purpose of this study. The results of this study show that underglaze carving was the most widely applied method in pottery clay since 4-7 centuries AH in Islamic era. In terms of shape, the themes and techniques of glazed motifs are of considerable diversity and have many shared technical and artistic characteristics with other pottery areas of the same period, especially those of west of Iran. Borujerd, has been identified elsewhere as early as the second half of the third century in the Islamic era. Of the many names that Borujerd has been referred to during history, “Nahavand” and “Moon of Basreh” are the two most common ones. Since the fourth century and the formation of local governments, an increase of the role of western parts of Iran in the political-military developments could be seen. In the meantime, the city of Borujerd, took root and left a defining rule in the social and historical developments of that period due to being in the neighborhood of important cities such as Isfahan, Karaj Abodelf, Hamedan, and finally, Baghdad, which all flourished during the reigns of the Buyid and the Seljuk dynasties. The old texture of the Borujerd city has about 280 hectares of area. The central and primary core of the city is located in a range surrounded by the old Razan square, the Jameh Mosque of Soltani, Bazaar and the Jameh Mosque of Atiq. Despite the many works and signs of the existence of Islamic-period pottery in the area of study, including those in the old urban texture,